

چه آینده‌ای در انتظار حقوق بشر است؟

نوشته ماری رابینسون

ترجمه دکتر ابراهیم بیگزاده

اشاره مترجم

اگر اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه را مبنای طرح حقوق بشر به معنای امروزی خود در نظر بگیریم باید بگوییم که بیش از دو قرن است که چنین حقوقی مطرح شده است. نقطه عطف این حقوق در سطح بین‌المللی هم اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد است. از آن زمان تا به حال شاهد ظهور چهار نسل حقوق بشر در طی نیم قرن بوده‌ایم. حال این سؤال مطرح است که آینده این حقوق در هزاره سوم چیست. آیا هزاره سوم شاهد ارتقای آن خواهد بود یا آن که همانند اواخر هزاره دوم شاهد نقض آشکار و گسترده آن خواهد بود؟

برای پاسخ به این سؤال اساسی چه کسی بهتر از ماری رابینسون (Mary Robinson) کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد می‌باشد. مشارالیها پس از سالها تجربه در مقام ریاست کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد چشم‌انداز حقوق بشر و چالشهای فراروی آن را در هزاره سوم تشریح

می‌کند. او تلاش می‌نماید تدابیری را که جامعه بین‌المللی باید برای رشد و ارتقای حقوق بشر در این دنیای پر جنب و جوش اتخاذ نماید مشخص نماید.

مقاله حاضر تحت عنوان «چه آینده‌ای در انتظار حقوق بشر است؟» از کتاب «کلیدهای قرن بیست و یکم»^{*} انتخاب و ترجمه شده است. کتاب حاضر چالشهای فرهنگی، اجتماعی و حقوقی فرا روی بشر در هزاره سوم را مورد توجه قرار داده است.

باشد که این «اندک» بتواند کمکی به ارتقای حقوق بشر نماید. حوادث تکان‌دهنده اواخر هزاره دوم نشان داد که بشر تا چه حد آمادگی سقوط به اسفل السافلین را دارد، امید است که با احترام به تمامت ابعاد وجودی این موجود شاهد صعودش به درجه علی‌العلین باشیم. در پایان متذکر می‌شود که کلیه پاورقیها از آن مترجم می‌باشد.

*. "Les clés du XXI Siècle", édition seuil / UNESCO, Paris, 2000.

مقدمه

تلاش برای پیش‌بینی آنچه آینده برای ما در نظر دارد همیشه عملی سخت بوده و خواهد بود. همانطور که بسیاری از مورخان گفته‌اند، ما مجبوریم آینده را در پرتو تجارب گذشته بنگریم. پیش‌بینی آینده در لحظه‌ای از تاریخ بشریت که تغییرات حیرت‌آوری روی می‌دهد عملی بس سخت و مشکل می‌باشد.

۱- عوامل تغییر

پایان جنگ سرد نشان خوبی از توقف برخورد میان ابرقدرتها بود. مع‌هذا، برخلاف آنچه که بسیاری پیش‌بینی می‌کردند، منفعت‌چندانی برای صلح نداشت. جنگهای خونین داخلی جایگزین مخاصمات بین دولتها شدند: تنها در خلال دهه نود، دوازده جنگ داخلی درگرفته است. آرزو می‌کنم که جنگ بالکان، که پایان‌بخش قرن ما بود همانطور که آغازگر آن نیز بود،* تفأل بدی برای قرن آینده نباشد.

ما درحالی که فکر می‌کردیم که نسل‌کشی‌ها فقط کابوسی متعلق به گذشته هستند، باز از نو هویدا گشته‌اند. بعد از آنچه که در روآندا، کامبوج، بوسنی و کوزوو شاهد بودیم، دیگر هیچ کس نمی‌تواند باور کند که نسل‌کشی‌ها و کشتارهای وسیع به گذشته تعلق دارند. آیا آینده بهتر خواهد بود؟ من گاهی احساس می‌کنم که این حوادث مثبت ادعای شاعر ایرلندی،

* منظور این است که جنگ اول جهانی که در اوایل قرن بیستم آغاز شد نیز در پی ترور ولیعهد اتریش در سارایوو شروع شد؛ و همین قرن نیز با جنگهای خونینی که در پی فروپاشی یوگسلاوی آغاز شد به پایان رسید.

ویلیام باتلر، می‌باشد. او می‌گوید «خوب‌ها کاملاً تهی از ایمان و بدها شیفته هوی و هوس خود می‌باشند».

چشم‌اندازهای اقتصادی روشن و مطمئن نیستند. در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی حقوق اقتصادی و اجتماعی به میزان حقوق مدنی و سیاسی رشد نکرده‌اند. اقتصادهای در حال شکوفایی آسیا و امریکای لاتین در سالهای اخیر دچار کُندی ناگهانی شده‌اند. حتی اگر نشانهای امیدوارکننده‌ای هم از رشد مجدد آنها به چشم می‌خورد، این تجربه به ما نشان می‌دهد که رشد اقتصادی تا چه حد آسیب‌پذیر و ناپایدار می‌باشد.

در همین زمان، شکاف اقتصادی بین کشورهای کمتر توسعه‌یافته و ثروتمندترین کشورها رو به فزونی گذاشته است. عنوان «دهکده جهانی» باز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مع‌هذا، هیچ دهکده‌ای در جهان چنین نابرابری را تحمل نمی‌کند. در عمل، شاخص‌های اقتصادی نشان می‌دهند که از سی سال پیش به این سو، درآمد کشورهای منطقه زیر صحرای* به شدت کاهش یافته است. شکاف روزافزون بین کشورهای غنی و کشورهای فقیر مصادف با «جهانی شدن» سریع بازارها و اطلاعات شده است.

گرایش به سوی تمرکز تجارت در دست تعداد اندکی شرکتهای بزرگ فراملی آثار حقوق بشری در اقتصادهای ملی و حکومتها دارد. انقلاب اطلاعات، شیوه ارتباطات و مبادلات ما را به‌طور محسوسی تغییر داده است. اینترنت و تجارت الکترونیکی زندگی ما را به‌صورت شگفت‌آوری عوض نموده‌اند و این روند همچنان ادامه خواهد داشت.

* منظور برخی کشورهای آفریقایی می‌باشد.

پیشرفتهای مهمی در قلمرو علمی، به‌خصوص در عرصه ژنتیک، رخ داده‌اند که منجر به همسان‌سازی* شده‌اند. طبق نظر شورای ملی علوم و تکنولوژی آمریکا، بیو تکنولوژی «نقش اساسی را در ده یا بیست سال آینده ایفا خواهد نمود، همان نقشی را که فیزیک و شیمی در دوران پس از جنگ (جهانی) ایفا نمودند». این انقلابها چشم‌اندازهای جالبی را به بشر عرضه می‌کنند. اما در عین حال نگرانی‌های جدی اخلاقی و زیست‌محیطی نیز به‌وجود می‌آورند.

یکی دیگر از ناشناخته‌های بزرگ «قلمرو اخلاق» به معنای دقیق کلمه است. اغراق‌آمیز نیست اگر بگوییم که ما امروز در یک خلأ اخلاقی بسر می‌بریم. مسلمات و فرضیات سابق از بین رفته‌اند. البته ما شکایتی به از میان رفتن فرضیات گذشته نداریم، اما فقدان نظامهای اعتقادی و قواعد آنها، این احساس را در ما تقویت می‌کنند که جهان در حال گذار از مرحله ناپایداری است، مرحله‌ای که ما را بیشتر از چشم‌انداز یک نظم نو جهانی دور می‌کند.

۲- انتخاب میان دو دیدگاه

جهان ما عاری از پیام‌آوران شومی و نکبت نیست. پیام آنان برای هزاره سوم، جهانی توأم با خشونت و وحشیگری است. ورطه‌ای هولناک‌تر می‌تواند میان فرهنگ اغنیا و فرهنگ فقرا پدیدار گردد. ثروتمندان باز قدرتمندتر می‌شوند. آنان در دژهای مستحکم خود مستقر بوده و می‌توانند اموال و بازارهای خود را به لطف قدرتهای ناشی از سلطه بر تکنولوژی‌های

*. Clonage.

پیچیده حفظ نمایند. این روند می‌تواند منجر به راندن فقرا به مناطق کمتر توسعه‌یافته شود و آنان را محکوم به زندگی در زیر حداقل معیشت نموده، از دستیابی به متداول‌ترین تکنولوژیها و بازار باز دارد.

من با چنین دیدگاههای بدبینانه موافق نیستم. برداشت من از جهان، جهانی است که در آن حکومتها وجود یکدیگر را پذیرفته و به تعهدات خویش در قلمرو حقوق بشر نسبت به شهروندان و همسایگان خود عمل می‌کنند. در این جهان، ملل غنی درک می‌کنند که منفعتهشان در تقسیم ثروتها و تضمین یک نظم بین‌المللی باثبات و صلح آمیز می‌باشد. در این جهان، بازارها به سهولت قابل دستیابی می‌باشند. گردش آزاد عقاید و تکنولوژیها وجود دارد. علوم پزشکی برای نیل به اهداف خود، یعنی علاج بیماریها و افزایش طول زندگی ما، به خدمت گرفته می‌شوند. در این جهان، آرمانهایی که راهنمای شارحان اعلامیه جهانی حقوق بشر و متفکران بزرگ حقوق بشر (روسو، پاین، ولتر)^{*} بوده‌اند تحقق می‌یابند. خلاصه، من به جهانی معتقدم که در آن کرامت هر فرد محترم شمرده شود.

آینده حقوق بشر در دستان ماست، من شک ندارم که با توجه به مشکلات متداول، مبارزاتی سخت و هراسناک در انتظار ماست. یقیناً راه درازی فراوی ماست تا این که همین حقوق موجود برای همه انسانها تضمین و اجرا شوند. اما یقین دارم جامعه بین‌المللی اراده‌اش بر این قرار گرفته است که موانع موجود و جدید را از سر راه بردارد. اگر بتوانیم بر تردیدها و ترسهای خود فائق آییم، قرن بیست و یکم می‌تواند قرن توسعه انسانی و امنیت، قرن حقوق بشر، شود.

*. Rousseau, Paine, Voltaire.

۳- تبدیل گفتار به عمل

پیشرفتهای واقعی و خوبی در قلمرو تدوین حقوق بین‌الملل حقوق بشر حاصل شده‌اند. این پیشرفتها بسیار چشم‌گیر می‌باشند هرچند که اصول بین‌المللی شناخته شده در این قلمرو نسبتاً جدید می‌باشند. اعلامیه جهانی حقوق بشر فقط پنجاه سال است که تدوین شده است و میثاقهای «حقوق مدنی و سیاسی» و همچنین «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» اندکی بیش از بیست سال است که لازم‌الاجرا شده‌اند.

بیش از شصت معاهده در قلمرو حقوق بشر وجود دارند که حقوق بنیادین و آزادیهای پیش‌بینی شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر را توسعه داده‌اند. آنها در مورد تبعیض نژادی، تبعیض نسبت به زنان، شکنجه و حقوق کودکان می‌باشند. به علاوه، تعداد زیادی اعلامیه به خصوص در مورد حقوق مردمان بومی، اقلیتهای قومی، مذهبی و زبانی و ممنوعیت تجاوز به زنان صادر شده‌اند.

مع‌هذا، واقعیت بین‌المللی نشان می‌دهد که اجرای اصول و قواعد پیش‌بینی شده بسیار کندتر از تهیه و تدوین آنها می‌باشد. فاصله زیاد میان تئوری و عمل نابخشودنی است. دویست سال پیش ژان ژاک روسو تباین میان دیدگاه آرمانی از جهان و واقعیتی که خود شاهدش بود را به شکل زیر ترسیم نموده است:

«من شاهد آتش و شعله‌های آن، سرزمینهای سوخته، شهرهای ویران شده، آشوب و بلوا و اشکها هستم! نزدیک می‌شوم، در مقابل خویش، صحنه‌های آدم‌کشی، دهها هزار انسان قتل‌عام شده، تلی از مردگان و ... را می‌بینم. اینها ثمره تفکرات صلح‌جویانه شما هستند. رقت و نفرت

از عمق وجودم شعله می‌کشند! آری، فلاسفه بی‌احساس بیایید و کتابهای خود را برای ما در میدان نبرد بخوانید!».

این توصیف روسو هنوز هم طنین ناخوشایند خود را دارد. وضعیت کوزوو را به‌خصوص به‌خاطر می‌آورد. وضعیتی که همانند بوسنی، روآندا و کامبوج پرسشهای بنیادینی را در مورد رفتار جامعه بین‌المللی در مقابل نقض حقوق بشر و اراده آن جامعه دائر بر اختصاص دادن ابزار ضروری برای مبارزه با این نقض‌های شدید و زننده مطرح می‌کند. وضعیت کوزوو یک مثال زننده و هولناک از شکاف میان گفتار و عمل است. آن مثال این را به ما گوشزد می‌کند که حق نداریم از نتیجه فعلی استقرار یک فرهنگ حقوق بشر یا چشم‌اندازهای توسعه این فرهنگ در هزاره سوم راضی باشیم. من خود در هنگام بازدید ماه گذشته از یوگسلاوی سابق و دولتهای همجوار شاهد رنج انسانها بودم. آنچه که دیدم و شنیدم مرا سخت اندوهگین نمود. در چادری، گوش جان به سخنان پدری سپردم که برایم شرایط اخراج هفده نفر از اعضای خانواده‌اش از روستای خود و سوزاندن خانه و کاشانه‌شان را شرح داد. توصیف آن واقعه سبب جاری شدن سیل اشک از چشمان همه حاضران شد، چون که خانه آنها تنها هستی‌شان بود. اقامت من در این کشورها خشم مرا هم برانگیخت. چنین حوادثی چگونه در قلب اروپا دوباره رخ دادند، چگونه پایان این قرن شاهد یکی از خونین‌ترین برهه‌های تاریخ بشری گردید.

مع‌هذا، کوزوو، یک نمونه منحصر به‌فرد نیست. یکی از فاجعه‌آمیزترین ابعاد بحران کوزوو این بود که توجه و منابع جهانی را فقط

به خود جلب و جذب نمود و جامعه جهانی را از توجه به سایر مخاصمات و وضعیت‌های ناشی از آنها، که نیاز به اقدام فوری داشتند، باز داشت. وضعیت تی‌مور شرقی به مرحله بسیار خطرناک و نگران‌کننده‌ای رسیده است. مشکلات افغانستان هنوز لاینحل باقی مانده‌اند؛* در آفریقا جنگ فیما بین اتیوپی و اریتره بیداد می‌کند. این جنگ تا بحال جان هزاران نفر را ستانده است. سیرالئون آتش‌بس ناپایداری را شاهد است، درحالی‌که مبارزات در سودان و آنگولا همچنان با بی‌تفاوتی جهانیان ادامه دارد. می‌توان نمونه‌های دیگری هم ذکر نمود.

تلاش ما در این مرحله باید صرف تحقق بخشیدن به هزاران گفتار، هزاران قول و تعهد رسمی دولتها گردد که عمل به آنها را با امضای خود تضمین نموده‌اند. از زمانی که کمیسرعالی حقوق بشر شده‌ام، تلاش همیشگی‌ام صرف جا انداختن مفهوم حقوق بشر در زندگی شده است. شغل فعلی من هیچ‌گونه سابقه‌ای در تاریخ سازمان ملل متحد ندارد. ایجاد آن در پی کنفرانس جهانی وین در مورد حقوق بشر نشان جدیدی از درک نقش اصلی و مرکزی حقوق بشر در نظام ملل متحد و در امور بین‌المللی است. من، در این چارچوب، مصمم به اجرای مسؤولیتهای خود هستم تا شایسته اعتماد و اطمینانی باشم که به من شده است. در کار خود از حمایت بی‌دریغ دبیرکل سازمان ملل متحد، آقای کوفی عنان، بهره‌مند گشته‌ام. ایشان تصمیم گرفته‌اند که حقوق بشر را در زمره مجموعه برنامه اصلاحات سازمان ملل متحد، که قصد انجام آن را دارند، قرار دهند.

*. در هنگام نگارش این مقاله هنوز تی‌مور شرقی به استقلال نرسیده بود و طالبان هم در افغانستان بر سر قدرت بودند. هرچند که تی‌مور شرقی استقلال یافته و طالبان از اریکه قدرت در افغانستان به زیر کشیده شدند اما هنوز مشکلات این کشورها حل نشده‌اند.

۴- اشاعه فرهنگ حقوق بشر

۴-۱- پیشگیری

کوفی عنان در پیام خود قرن بیست و یکم را آغاز عصر پیشگیری می‌نامد. پیشگیری یکی از بخشهای بنیادین کار کمیساریای عالی حقوق بشر و یک منطق ضمنی در اجرای برنامه همکاری فنی بیش از پیش با کشورهای است. توجه خاصی به ایجاد و پشتیبانی از گروه‌ها و نهادهای ملی حقوق بشری مد نظر است. نهادهای ملی کارا و مؤثر می‌توانند ابزار بی‌مانندی در اشاعه فرهنگ حقوق بشر بوده و این احساس را به افراد بدهند که خود حاکم بر سرنوشت خویش هستند.

همکاری منطقه‌ای و درون منطقه‌ای هم می‌تواند نیروی محرکه هر قدرتی در ایجاد یک برنامه پیشگیری باشد. این همکاری به دولت‌ها امکان می‌دهد که با تکیه بر تجارب و عملکرد خوب کشورهای منطقه خود از امکانات موجود استفاده بهینه نمایند. همکاری در اروپا بسیار خوب و مستمر است، و سایر مناطق نیز شاهد تحولات درخور توجهی هستند. برای مثال، من از مشاهده شوق همکاری در قلمرو حقوق بشر در جریان بازدید اخیر خود از جزیره موریس به مناسبت اوکین کنفرانس وزرای کشورهای عضو سازمان وحدت آفریقا در مورد حقوق بشر در آن قاره سخت شگفت‌زده شدم. گردهمایی منطقه آسیا - اقیانوسیه نیز توان خود را برای تحوّل وضعیت موجود به نمایش گذاشت. بالاخره، من امروز به قاهره آمده‌ام، جایی که توانستم بفهمم که توسعه دیدگاه منطقه‌ای در جهان عرب تا چه حدّ وسیع و گسترده است.

۲-۴- نظارت

ساز و کارهای نظارتی مصوب برای تضمین اجرای معاهدات و کنوانسیونهای منعقد شده توسط دولتها باید به اجرا در آیند. امروز، دولتها دیگر نمی‌توانند به‌طور جدی ادعا کنند که حقوق بشر فقط امور داخلی آنها محسوب می‌شود و بدین ترتیب خود را مبری از نظارت جامعه بین‌المللی نمایند. دولتهایی که بر چنین موضعی پافشاری می‌کنند باید بدانند که این موضع پایدار نیست. متأسفانه، حتی دولتهایی که متعهد به معاهدات مربوط به حفظ حقوق بشر هستند، اغلب با طرح دلایل مربوط به امنیت ملی، همچنان بدون مجازات به نقض حقوق شهروندان خود ادامه می‌دهند.

اجرای حقوق بشر باید به‌طور دقیق توسط ساز و کارهای قراردادی، یعنی به‌وسیله کمیته حقوق بشر و کمیته حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، همچنین از سوی گزارشگران ویژه، گروه‌های کاری و سایر ساز و کارهای کمیسیون حقوق بشر ارزیابی شود. نظر من به‌طور کلی مبتنی بر گفتگو و تشویق می‌باشد. اما تردیدی در افشا نمودن دولتهایی که مرتکب نقض مکرر حقوق بشر نسبت به شهروندان خود می‌شوند به خود راه نمی‌دهم.

۳-۴- اجرا

منطق لاینفک حرکت مقوم حقوق بشر ایجاب می‌کند که اصل مسئولیت کسانی که ناقض شدید این حقوق بوده یا مرتکب جنایات بر ضد بشریت می‌شوند اجرا شود. هیچ‌گونه عدم مجازاتی نباید در این قلمرو باقی بماند. به همین دلیل، ایجاد یک دیوان کیفری بین‌المللی پیشرفت قابل

توجهی در این امر است. این دیوان، پس از تأسیس، همان وظایفی را برعهده می‌گیرد که هر دادگاه داخلی دارد؛ یعنی مکلف به پیگرد، محاکمه، مجازات و بازدارندگی نقض‌کنندگان حقوق بشر است. دیوان ابزار لازم برای پایان بخشیدن به عدم مجازات و اجرای اصل مسؤولیت کیفری فردی را دارد. به‌شدت دولتها را تحت فشار قرار می‌دهم که اساسنامه‌ی رم را تصویب کنند تا دیوان بتواند به وظیفه مهمی که از آن انتظار می‌رود عمل کند.

محکومیت میلوسویچ، رئیس جمهور سابق یوگسلاوی، و سایرین به خاطر جنایات جنگی در کوزوو آزمایشی است که امکان می‌دهد تا اراده جامعه بین‌المللی برای مبارزه با عدم مجازات را بسنجیم. این مخاصمه اوکین در نوع خود است که منجر به اجرای صلاحیت قضایی از طریق دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق شد. کمیساریای عالی حقوق بشر همکاری نزدیکی را با این دادگاه برای شناسایی قربانیان نقض‌های شدید دارد و آن را ادامه خواهد داد.

۴-۴- توسعه

ما مجبوریم به همان میزان که به تضمین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجه می‌کنیم به حقوق مدنی و سیاسی هم عنایت نماییم. این منطقی نیست که امید به رشد و شکوفایی جوامع مدنی داشته باشیم اما در آنها دسترسی به تعلیم و تربیت، بهداشت، تغذیه و آب تضمین نشده باشد. مع‌هذا، بیش از یک میلیارد نفر، که اکثریت آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند در فقر مطلق زندگی می‌کنند. به همین دلیل است که

کشورهای ثروتمند تکلیف اخلاقی دارند تا به فقیرترین کشورها کمک مالی نمایند تا مردم آنها بتوانند از حقوق اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند گردند.

متأسفانه، اعطای این کمکها رو به کاهش است و حتی میزان ۰/۷٪ از تولید ناخالص کشورهای توسعه‌یافته را که سازمان ملل متحد به‌عنوان هدف خود برای کمک به کشورهای کمتر توسعه‌یافته تعیین کرده است به‌دور از دسترس می‌باشد. موضع تنگ‌نظرانه محروم کردن کشورها از منابع حیاتی فقط می‌تواند منجر به ایجاد مانع در توسعه دموکراسی و استقرار حکومت‌های سالم شود، یعنی مانع ایجاد عواملی می‌شود که مطمئن‌ترین تضمین برای اجرای حقوق بشر هستند.

بخشودگی بدهی‌های فقیرترین کشورها اقدام مناسبی در آستانه هزاره سوم است. من از کسانی حمایت می‌کنم که طرفدار کریمانه‌ترین اقدامها و تدابیر ممکن در این قلمرو هستند. ایسن نشان روشنی است از این که نیازهای مقروض‌ترین کشورها به دست فراموشی سپرده نشده‌اند.

۵- کار با یونسکو

پیشگیری، نظارت، اجرا و توسعه ابزارهای ما در ساختن جهانی است که در آن حقوق بشر مقدم بوده و حمایت می‌شوند. عامل اصلی در پیشگیری، تعلیم و تربیت است. ما هم‌اکنون در چارچوب برنامه‌ای تحت عنوان «دهه ملل متحد برای آموزش حقوق بشر» قرار داریم که امکان جدیدی برای تلاشهای انجام شده جهت رساندن پیام حقوق بشر به چهار گوشه جهان را فراهم می‌آورد.

از وزارتخانه‌های آموزش و پرورش در سراسر جهان درخواست شده بود که به‌منظور بزرگداشت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال گذشته، آن اعلامیه را در مدارس خود نصب نمایند. یونسکو و کمیساریای عالی حقوق بشر در ترجمه این اعلامیه مشارکت نموده‌اند و این اعلامیه در حال حاضر به ۲۵۰ زبان در دسترس همگان می‌باشد.

ماه گذشته من موافقتنامه‌ای را با برنامه اروپایی جهت اعطای مدرک کارشناسی حقوق بشر و دموکراسی امضاء نمودم. این موافقتنامه پانزده دانشگاه اروپایی را که از حمایت یونسکو برخوردارند گرد هم آورده است. برنامه از هم اکنون امکان اعطای مدرک به نود دانشجو را می‌دهد که این خود مشارکت فعالی در راه نیل به اهداف مورد نظر ما می‌باشد.

یونسکو، یونیسف و کمیساریای عالی حقوق بشر به‌طور خاص، یک برنامه ملی برای آموزش حقوق بشر را در السالوادور با همکاری دولت، آموزش و پرورش و سازمانهای غیردولتی تهیه نموده است. طرح‌های دیگری در قلمروی آموزش حقوق بشر در دست مطالعه هستند. من، اخیراً موافقتنامه‌ای با دولت مغرب و دفتر عمران ملل متحد در رباط امضاء کرده‌ام که ایجاد یک مرکز ملی برای آموزش و تربیت حقوق بشر را پیش‌بینی می‌کند. من بزودی برای امضای یک برنامه مهم همکاری فنی متمرکز بر آموزش حقوق بشر عازم روسیه خواهم شد. بنابراین، همکاری فیما بین کمیساریای عالی حقوق بشر و یونسکو بسیار زیاد است و تمایل به گسترش آن در آینده نیز وجود دارد.

برای نیل به اهدافی که ترسیم نمودم، مشارکت کلیه بازیگران مرتبط با حقوق بشر یعنی دولتها، سازمانهای غیردولتی، ارکان ملل متحد، مؤسسات

مالی بین‌المللی، جامعه اقتصادی و کلیه کسانی که حاضر به مبارزه برای رسیدن به این آرمان هستند ضروری می‌باشد. ما مجبوریم روابط نهادینه خود را با جامعه مدنی، زنان و جامعه آموزشی توسعه و گسترش دهیم. ما مجبوریم ملاحظات جدیدی که برای اجرای حقوق بشر ضروری می‌نمایند از جمله جنبه‌های جنسی، توسعه پایدار، محیط‌زیست، حقوق کودکان و تعهدات شرکتهای بزرگ را لحاظ نماییم.

نتیجه‌گیری

پیشرفتهای تحقق یافته در قلمرو حقوق بشر اغلب تدریجی بوده‌اند. مع‌هذا، اگر بخواهیم روش حرکت کند و بطئی را در چارچوب جهش‌های سریع فعلی مورد استفاده قرار دهیم ممکن است شانس منحصر به فرد برای نهادینه کردن حقوق بشر را از دست بدهیم. وضعیت کوزوو اجرای فوری حقوق بشر را از هم اکنون به ما گوشزد می‌کند تا باز دچار نتایج سهمگین ناشی از خلأ آن نشویم. من اعتقاد دارم که تغییرات امکان‌پذیر هستند. آینده حقوق بشر در دست ماست. همگی موظفیم که در اجرای حقوق بشر بکوشیم. شاعره معروف مایا آنجلو* با شیوایی آن را بیان می‌کند:

*. Maya Angelou.

ما، این مردم، بر این سیاره کوچک که مسیر خود را گم کرده است
 [و] دستها [ی ما] که می‌توانند ضربه‌های جانانه بزنند
 [و] حیاتی که با یک چشم برهم زدن [از ما] ستانده می‌شود
 با این همه، همین دستها قادرند با عطوفتی بسیارخیره کننده و بسیار
 آرام بخش جان را بنوازند

که حتی این [انسان] گردن فراز با رغبت تسلیم آن می‌شود
 و قامت افراشته [او] در برابر آن خم می‌شود
 [آنگاه] فارغ از این آشفتگی و این دوگانگی
 ما یاد می‌گیریم که نه قدیسیم و نه شیطان
 آنگاه که ما بدانجا می‌رسیم

ما، این مردم، در این راه، جنبندگان هستیم
 [که] در این خاک و با این خاک، آفریده شده‌ایم
 قادریم برای این خاک

جهانی بسازیم که در آن هر مرد و هر زن
 بتوانند آزادانه و به دور از ریا و تزویر
 و فارغ از هرگونه هراس ویرانگر زندگی کنند
 آنگاه که ما بدانجا می‌رسیم

ما باید قبول کنیم که تواناییم
 ما حیرت آوریم، معجزه واقعی این جهانیست
 [اما] آنگاه و فقط آنگاه که

ما به آنجا می‌رسیم
 پس [بکوشیم] تا بدانجا برسیم